

دندانپزشک قلبی! بیماران را درمان می‌کرد!



مردی که متهم است با مدارک پزشکی خانم دکتر اقدام به ویزیت بیماران در جنوب تهران می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، هفتم اردیبهشت‌ماه امسال بود که زن جوانی وارد کلانتری ۱۷۲ حضرت عبدالعظیم شد و از مردی فریبکار شکایت کرد. او گفت: من دندانپزشک هستم و متوجه شده‌ام که مردی به نام علی اکبرالف با معرفی خودش به عنوان دندانپزشک اقدام به سرقت مهر پزشکی من کرده و با جعل امضا و سواستفاده از مهر نظام پزشکی‌ام اقدام به درمان بیماران کرده‌است.

بعد از مطرح شدن شکایت، پرونده با موضوع جعل عنوان پزشک تشکیل شد و تیمی از کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس مأمور رسیدگی به پرونده شدند.

خانم دکتر در توضیح بیشتر شکایت خود به مأموران پلیس گفت: مدتی قبل علی اکبر به من مراجعه کرد و با نشان دادن اوراقی گفت که او هم دندانپزشک است و در کشور او کرایه تحصیل کرده‌است. او از من درخواست همکاری کرد که قبول کردم. علی اکبر با استفاده از اعتبار من درماتگاه دندانپزشکی در میدان ساعت تأسیس کرد، اما خیلی زود متوجه شدم که او اصلاً صلاحیت پزشکی ندارد و با جعل مهر نظام پزشکی و امضای من اقدام به درمان بیماران کرده است.

در سخاخ دیگری از تحقیقات کارآگاهان پلیس، یازدهم اردیبهشت‌ماه راهی درماتگاه مورد نظر شده و متهم را در حالی که مشغول درمان بیماران بود بازداشت کردند. در جریان تحقیقات پلیس بود که مشخص شد متهم دارای مدرک تحصیلی دیپلم است و مدتی کوتاه در چند مطب دندانپزشکی کار کرده‌است. در جریان تحقیقات همچنین مشخص شد که چند نفر از بیماران به علت ایجاد ضایعات پزشکی دچار عوارض بیشتر شده‌اند.

سرهنگ کارآگاه کرم یوسف‌وند، رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم در بازجویی‌ها به جعل عنوان پزشکی اعتراف کرده‌است. وی گفت: دستور انتشار چهره بدون پوشش متهم به دستور بازپرس شعبه چهارم دادرسی عمومی و انقلاب شهرداری صادر شده‌است و شاکتانی که موفق به شناسایی تصویر متهم شده‌اند برای طرح و پیگیری شکایت خود به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در شهرداری – خیابان آستانه مراجعه کنند.

سرقت از زنان پولدار در حراجی

زوج معتاد که با همدستی دو نفر از دوستانشان اقدام به سرقت از زنان پولدار در حراجی پاساژ پروانه می‌کردند بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل زن جوانی وارد کلانتری ۱۰۹ بهارستان شد و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. او گفت: امروز برای خرید به حراجی معروف پارکینگ پروانه رفته بودم که در شلوغی حراجی متوجه شدم گوشی تلفن همراه گرانقیمتم به همراه کیف پولم سرقت شده است. او گفت: در شلوغی حراجی زنی شروع به حرف زدن با من کرد و لحظاتی از رفتن او نگذاشته بود که متوجه سرقت شدم. در حالی که بررسی‌های مأموران کلانتری در جریان بود شکایت‌های مشابهی به کلانتری گزارش شد. مأموران کلانتری در جریان بررسی‌شکایت‌ها متوجه شدند که همه شاکیان زنان پولدار و به یک شیوه از آنها سرقت شده‌است. همچنین معلوم شد که در همه سرقت‌ها زنی ناشناس به آنها نزدیک شده و ماجرای سرقت بعد از دور شدن او رقم خورده‌است. بعد از به دست آمدن این سرقت بود که مأموران راهی محل شده و بعد از بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند چهره زن ناشناس را شناسایی کنند. براساس محتویات فیلم ضبط شده زن ناشناس به شاکیان نزدیک شده و سر حرف را با آنها باز می‌کرد. همزمان همدست او که مردی جوان بود از راه رسیده و در حالی که پارچه‌ای بلند به دست داشت اقدام به جیب‌بری از شاکیان می‌کرد.

بعد از به دست آمدن تصاویر دو متهم مشخص شد که آنها زوج سارق هستند که قبلاً به همین اتهام بازداشت شده بودند، بنابراین متخفیکه آنها را در خیابان مولوی شناسایی و هر دو را بازداشت و تعداد زیادی گوشی تلفن همراه و لوازم دیگر از محل کشف کردند. زوج سارق در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کرده و دو همدست خود را که دو مرد جوان بودند به پلیس معرفی کردند. زن جوان گفت: مدتی قبل با همدستی شوهرم و دو نفر از دوستانش این پاند را تشکیل دادیم. ابتدا مقابل پاساژ پروانه که محل حراجی بود کمین می‌کردیم. بعد از شناسایی سوزو‌ها که از زنان پولدار بودند آنها را تعقیب می‌کردیم. دوستان شوهرم در نقش کنترل کننده اوضاع، شوهرم در نقش سارق و من در نقش کسی که باید سوزو‌ه مورد نظر را سرگرم می‌کرد وارد شده و نقشه‌هایمان را اجرا می‌کردیم. بعد هم گوشی‌ها را به قیمت پائینی فروخته و با پول آن مواضعرف می‌کردیم که بعد از اتمام‌های زوج سارق بود که دو همدست آنها بازداشت شدند و به همدستی با زوج سارق اعتراف کردند. سرهنگ کیومرث حسینوند، رئیس کلانتری ۱۰۹ بهارستان گفت: متهمان بعد از اعتراف به سرقت برای کشف جرائم بیشتر به پایگاه هفتم پلیس معرفی شدند.

در حالی که معاون انضباطی دبیرستان پسرانه‌ای که پرونده‌اش این روزها جنجال زیادی به پا کرده در زندان به سر می‌برد تاکنون شکایت دو دانش آموز در جریان پرونده مطرح شده‌است. یک منبع آگاه به خبرنگار ما می‌گوید: در حال حاضر دو ادعا در این باره مطرح شده‌است. سال گذشته ماجرا از سوی یکی از دانش آموزان در مدرسه مورد نظر در منطقه دو تهران مطرح شد. البته این موضوع به طرح شکایت و تشکیل پرونده در اداره پلیس یا دستگاه قضایی منجر نشد و

موضوع در همان محیط آموزشی پیگیری شد. این منبع آگاه می‌گوید که ادعای دوم اما در حال حاضر مطرح شده‌است و تحقیقات در این باره جریان دارد. این منبع آگاه می‌گوید که تاکنون شکایت بیشتری از این دو مطرح نشده‌است. وی ادامه می‌دهد: در اولین گام اولویت ما این است که همه شاکیان راشناسایی کنیم و شاکیان را برای بررسی صدمات روحی و جسمی وارد شده به پزشکی قانونی معرفی کنیم تا بعد از کامل شدن تحقیقات پرونده در دادگاه بررسی شود. متهم آنگونه که در

صدمات روحی دانش آموزان دبیرستان غرب تهران بررسی می‌شود

فیلم منتشر شده هم اقرار می‌کند اقدام به انتشار فیلم‌های مستهجن بین دانش آموزان کرده‌اما به تعرض جنسی اقرار نکرده‌است. براساس این گزارش دادستان تهران هم دوروز قبل در واکنش به انتشار خبر توضیح داد که براساس گزارش پلیس امنیت روز ششم خردادماه در پی تماس شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع درگیری در یکی از دبیرستان‌های غرب تهران، مأموران پلیس به محل اعزام شدند و متعاقباً ۱۵نفر از اولیای دانش آموزان مبادرت

مهمانی شبانه را ز قتل همکلاسی را بر ملا کرد



با بدست آمدن این اطلاعات مأموران اردشیر ۲۳ساله را به عنوان مظنون حادثه بازداشت کردند. وی در بازجویی‌های ابتدایی قتل دوستش را انکار کرد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به قتل خود اعتراف کرد.

متهم گفت: نوبت از دوستان دوران دبیرستان من بود. او پسر زورگویی بود و همیشه به همه دستور می‌داد و همه از او می‌ترسیدند. من از او خیلی کینه به دل داشتم تا اینکه نقشه قتل او را طراحی کردم. ساعت ۲۲شامگاه پنج‌شنبه سوم خردادماه خودروی پژوی پدرم را برداشتم و به بهانه تفریح به سراغ نوبت رفتم. او را سوار خودرو کردم و ساعتی داخل خیابان‌ها دور دور کردم و بعد به طرف فرودگاه امام خمینی رفتم. حدود ساعت یک‌بامداد روز جمعه در بیابان‌های اطراف جاده قم خودرو را متوقف کردم و از نوبت خواستم از خودرو پیاده شود و کمی با هم از هوای بیرون استفاده کنیم. وقتی پیاده شد از پشت به او حمله کردم و با چاقو ضربه محکمی به پشتش زدم. او غرق در خون روی زمین افتاد و فوت کرد. سپس از ترس ظرف بنزینی که از قبل داخل خودروی پدرم بود، برداشتم و با آن جسدش را آتش زدم و در ادامه با بیلیجهای که داشتم گودالی کندم و جسد نوبت را دفن کردم.

وی ادامه داد: در این چند روز عذاب وجدان مرا کلافه کرده بود به طوری‌که در مهمانی حادثه‌قتل دوستم را برای دوستان دیگرم تعریف کردم. وی در پاسخ به این سؤال که بیلیجه و بنزین را برای همین حادثه تهیه کرده بودی؟ گفت: پدرم کشاورز است و همیشه داخل خودرواش بیلیجه و بنزین دارد.

متهم در ادامه به دستور قاضی دشتبان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مرد شیشه‌ای که از دو سال قبل به اتهام قتل

همسر و دو پسر خردسالش در بازداشت به سر می‌برد، دو شعبه دهم دادگاه کیفری

یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۵آذر سال ۹۴مأموران پلیس از قتل زنی جوان به همراه دو پسر خردسالش در محله نعمت‌آباد باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به نام‌های آذر ۱۰ساله و دو پسر دوساله و ۲۰روزه‌اش به نام‌های آرمن و آرین بود که در کمد دیواری یکی از اتاق‌ها و لایلاهی رختخواب‌ها پنهان شده بود.

تحقیقات گفت: «چند روزی بود که بوی تعفن در راه‌پله‌ها پیچیده بود، اما کسی علت آن نمی‌دانست.

وقتی این بوی تعفن آغاز دهنده شد تصمیم گرفتیم هر طور شد علت آن را پیدا کنیم یا جست‌وجو متوجه شدیم از واحد این آپارتمان است. هر چه در زدیم کسی در را باز نکرد تا اینکه فهمیدیم زن همسایه با دو فرزندش به قتل رسیده و شوهر آن زن – میثم – نیز متواری است.» مرد همسایه در ادامه گفت: «چندروز پیش میثم فریاد می‌زد که زن و بچه‌هایم را کشته‌ام، اما چون شیشه می‌کشید فکر کردیم به خاطر توهم این حرف‌ها را می‌زند و اهمیتی ندادیم اما با دیدن اجساد احتمالاً قتل‌کار میثم باشد.»

با اظهارات مرد همسایه، شوهر زن جوان تحت تعقیب مأموران قرار گرفت تا اینکه ۱۵روز بعد از حادثه شناسایی و دستگیر شد. مرد جوان بعد از

دستگیری به جرمش اقرار کرد و در بازجویی‌ها گفت: «با همسرم در یکی از روستاهای هشتگرد کرج آشنا شدم و پنج‌سالی بود که با هم ازدواج کرده بودیم. قبل ازدواج اعتیاد داشتم و همه نوع موادی می‌کشیدم به همین خاطر ترک اعتیاد برایم سخت بود. اما بعد از ازدواج رنگ کار میل بودم و به خاطر همسرم ترک کردم و دیگر مثل قدیم مواد مخدر نمی‌کشیدم. مدتی گذشت اما دوباره به سمت مواد مخدر و این‌بار شیشه مصرف می‌کردم.» متهم ادامه داد: «با همسر مشکلی و اختلافی نداشتم تا اینکه به بانجامم بهکمار شدم این پنهانی‌اش شد تا همه زندگی ما به هم بریزد و هر روز با هم درگیری داشته باشیم. بدهی به بانجامم نیز به خاطر درگیری بود. او در غیاب من حرف‌های ناروبرطی می‌زد و همیشه اذیت می‌کرد. برای همین روزی سراغش رفتم و علت را پرسیدم. همان‌روز با هم درگیر شدیم و در جریان درگیری با چاقو ضربه‌ای به پهلویش زدم. او از من شکایت کرد و بعد از محاکمه به ۶۰میلیون تومان دیه محکوم شدم. ۱۴میلیون تومان را پرداخته‌ام، اما دیگر پولی نداشتم.» همسر دلیل مادرزتم و همسرم مرتب به من فشار می‌آوردند که باید مایقی پول دبر را بپردازم. مادرزتم همیشه به خانه ما زنگ می‌زد و دعوا راه می‌انداخت و برای همین با همسرم درگیر می‌شدم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «ا رن روز دوباره سر همین موضوع با همسرم درگیر شدم. وقتی درگیری بالا گرفت، رفتم شیشه کشیدم و برگشتم. همسر

مهمانم غر می‌زد و بی‌خیال این موضوع نمی‌شد. من که به خاطر مصرف شیشه حالت طبیعی نداشتم کنترلم را از دست دادم و او را با یک شال خفه کردم. بعد از آن سراغ پسر بزرگترم رفتم. او داشت بازی می‌کرد که او را نیز خفه کردم. پسر کوچکم نیز خواب بود که او را هم خفه کردم.»

متهم در خصوص درگیری با مرد همسایه گفت: «بعد از قتل پنجره‌ها را باز کردم و فریاد می‌زدم که همسر و فرزندمان را کشته‌ام، اما کسی باور نمی‌کرد. همان لحظه از توهم شیشه احساس کردم دزد وارد خانه همسایه شده، به همین خاطر به طبقه پایین رفتم و بعد از در زدن با همسایه‌ام درگیر شدم. به خاطر درگیری با همسایه به کلانتری رفتم و حتی آنجا هم به مأموران گفتد که همسر و فرزندمان را کشته‌ام، ولی آنها فکر می‌کردند که من شیشه این حرف‌ها را می‌زنم به همین دلیل به حرف‌هایم اهمیتی ندادند.» متهم در آخر گفت: «سازم فوت کرده و از پدر و برادرهایم هیچ خبری ندارم. حال‌ام با کشتن همسر و بچه‌هایم پشیمان هستم و می‌خواهم هر چه زودتر از اعدام شوم و به خانواده‌ام ببیوندم. بعد از قتل می‌خواستم خودم را هم دار بزتم، اما دوباره مواد کشیدم و بی‌خیال شدم.»

با اقرارهای متهم، پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب متهم سه زودی محاکمه خواهد شد.

سرقت شکارچی دیوار از فروشندگان تنها

مردی که باربررسی آگهی‌های سایت دیوار فروشندگان کالا را فریب داده و با تهدید شوکر اموالشان را سرقت می‌کرد هنگام آخرین سرقت در خانه‌ای حوالی میدان ونک بازداشت شد.
چند روز قبل مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت که با کمک همسایه‌ها سارقی را داخل یکی از برج‌های مسکونی بازداشت کرده‌اند. لحظاتی بعد از آن بود که تیمی از مأموران کلانتری ۱۴۵ ونک در محل حاضر شده و متهم را که مردی جوان بود بازداشت کردند. در اولین گام شاک می‌پرونده به پلیس گفت: روز گذشته آگهی فروش یک دوربین عکاسی کائین گرانقیمت را در سایت دیوار منتشر کردم. بعد از آن چند نفر برای خرید تماس گرفتند که یکی از تماس گیرندگان همین مرد سارق است. او خودش را دانش‌جوی عکاسی معرفی کرد و با چرب‌زبانی توانست اعتماد من را جلب کند. وقتی او گفت که می‌توانم این آگهی‌های فروش آن در خانه‌م قرار گذاشت تا این که رنگ آبیار تمامم به‌صدا در آمد. وقتی در را باز کردم تا نگاهم متهم شوکر به دست وارد شد. او من را تهدید و با شوکر حمله کرد، اما من مقاومت کردم و موفق شدم با فریاد همسایه‌ها را به خانه‌م بکشانم. بعد از ثبت حرف‌های شاک، متهم نیز مورد بازجویی قرار گرفت. او در جریان تحقیقات به چند سرت مشابه اعتراف کرد و گفت: من آگهی‌های فروش کالاهای گرانقیمت را در سایت دیوار بررسی می‌کردم. بعد با فروشندگان آن که عمدتاً در شمال شهر زندگی می‌کردند تماس می‌گرفتم و با چرب‌زبانی اعتماد آنها را جلب می‌کردم. اگر به تنهایی می‌کردند یا وعده خریداری خانه‌های آنها می‌شدم با تهدید شوکر اموال گرانقیمتشان را سرقت کرده و فرار می‌کردم تا اینکه در آخرین سرت با هوشیاری مرد تنها بازداشت شدم. سرهنگ بهزاد راسخ، رئیس کلانتری ۱۴۵ ونک گفت: متهم در جریان بازجویی‌ها به چندین سرت مشابه اعتراف کرده‌و از آن‌جا که احتمال می‌رود در جریان سرت‌های بیشتر نقش داشته باشد برای تحقیق بیشتر به پلیس آگاهی تهران منتقل شد.

حجوادان

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۵۰

یادداشت

آتش به اختیار بودن برای معرفی مرتکبان کودک‌آزاری

جلال مهرگان

کودکان در معرض خطر به دو دسته تقسیم می‌شوند، بی‌سرپرست و بدسرپرست. بچه‌های بی‌سرپرست که از طرف دولت حمایت می‌شوند، اما کودک‌کان بدسرپرست این حمایت را ندارند و گاهأ صدمات هم که به آنها وارد می‌شود پنهانی است و مجازات هم در مورد اعلان آن کارساز نیست. بنابراین اگر بشود کودک‌کان بدسرپرست نیز مانند بی‌سرپرست‌ها زیر چتر حمایتی دولت قرار بگیرند و تربیت بشوند آینده‌ای درخشان و مفید خواهند داشت، اما حالا که این حمایت وجود ندارد این کودک‌کان در آینده مشکلاتی برای اجتماع درست می‌کنند که قابل جبران نیست. اینکه تنها به فکر تکثیر جمعیت باشیم، اما از لحاظ کیفی به آن اهمیت ندهیم و حمایت‌تکنیم این جامعه در معرض خطر است و باید هشدار داد.

افرادی که در بزرگسالی دچار مشکلات اخلاقی و بعضاً جرائم اخلاقی می‌شوند، اکثراً همان‌هایی هستند که در کودکی به آنها تعرض شده‌است و این آزار گاهأ از طرف پدر و مادر بوده یا دیگران. راه حل چیست؟ حل این مشکلات راهکار و همکاری دولت را می‌طلبد و گاهأ اصلاح بعضی قوانین به طور مثال سیردن فرزند به پدر یا مادر، وقتی پدری دارای صلاحیت است کودک تحویل مادر می‌شود. حال این مادر شرایط نگهداری و بزرگ کردن کودک را دارد یا نه؟ باید مقرراتی باشد که اگر هر موافد صلاحیت بودند چه از نظر تربیتی و چه از نظر مالی این کودک به دوست و آشنای قابل اعتماد نیز سپرده شود.

اینک در جامعه‌ای که متأسفانه به دلایلی فقر مالی و فرهنگی هر روز شاهد آمار بالایی از کودک‌آزاری هستیم همه مسئولند این هم در جامعه اسلامی که نباید افراد به پیرامون خود بی‌تفاوت باشند. افراد در محلی که زندگی می‌کنند طبق آیات قرآن باید نسبت به نزدیکان خود اشراف داشته باشند و هر جا مشکلی بود به یاری هم نشانینند. این نسبت که فقط در بستگان دنبال حل مشکلات باشیم بلکه به همسایگان دور و نزدیک نیز باید حساس بود و اگر خودمان نتوانستیم مشکل را حل کنیم حتماً به مراجع ذی‌ربط اطلاع دهیم. به طور مثال در حادثه قتل اهورا که در رشت اتفاق افتاد بعد از حادثه همسایه‌ها اذعان داشتند بارها صدای گریه اهورا را شنیده بودند و از آزار بچه‌از سوی ناپدری خبر داشتند، اما بی‌تفاوتی این خانواده‌ای را رقم زد که دیگر قابل‌جبران جبران نبود.

وقوع این قبیل موارد در جاز و جنجال‌های سیاسی گم شده‌است، بنابراین این خود مردم هستند که به گفته مقام معظم رهبری می‌بایستی مصداقی آتش به اختیار اقدام کنند و اگر به کودک‌کان آسیبی برسد یقیناً همسایه‌ها و مطلعان شرعاً مسئولند و باید پاسخگو باشند. متأسفانه جامعه امروز بی‌احساس شده است و بررسی اوضاع و احوال اقوام و بستگان و همسایه‌ها به دست فراموشی سپرده شده‌است. لذا می‌بینیم که اینگونه جرائم‌روز به روز بیشتر و در بعضی شرایط حادث‌تر هم می‌شود.

این جرائم به فقر فرهنگی خانواده‌ها نیز برمی‌گردد. در بعضی خانواده‌ها برنامه تنظیم خانواده وجود ندارد و با تحقیق در این خانواده‌ها به این می‌رسیم که تعداد فرزندان آنها از عرضه تربیت خانواده‌ها بیشتر است. یکی از نهادهایی که می‌تواند به این معضل اجتماعی کمک کند آموزش و پرورش است. این سازمان بزرگ می‌تواند در بخش‌های خرد خود با شناسایی خانواده‌ها به فقر فرهنگی خانواده‌ها کمک کند و کودک‌کان را از رنگاه اجتماعی نجات دهد. بی‌سر و سامانی اجتماعی برای نظام هم ایجاد مشکل می‌کند این موضوعات تا این حد حائز اهمیت است و اگر بدانیم این مهم مغفول نمی‌ماند. اکثر جنایت‌های جنگی توسط افرادی است که به این شیوه، دوران کودکی را سیر می‌کرده‌اند و بزرگ شده‌اند. این کودکان در بزرگسالی افرادی خشن، عقده‌ای، اهل انتقام و... خواهند شد و دشمن دقیقاً این دسته‌از افراد برای غلبه ظلم و زور استفاده خواهد کرد.

تبعید و شلاق مجازات خواهرزاده شیطان صفت

مردی که زندایی‌اش را مورد آزار قرار داده بود، سه اتهام رابطه نامشروع مجرم شناخته و سه شلاق و تبعید محکوم شد.
به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به این پرونده از بهمن سال ۹۶ با شکایت زن جوانی به نام مهین به اتهام اذیت و آزار از سوی خواهرزاده شوهرش آغاز شد. آن زن در طرح شکایتش گفت: «شوهرم صرفاً ۹۹ساله‌اش کرد و با هم زندگی را شروع کردیم. در این ۱سال یک‌پسر ۱۲ساله دارم و یک فرزند شش‌ساله که معلول جسمی است. شب گذشته همسرم بنا به بغلی که دارد همراه پسر ۱۲ساله‌ام به مسافرت کاری رفته. خواهرزاده شوهرم که همسایه دیوار به دیوار مست وقتی از نبود شوهرم باخبر شد وارد خانه‌مان شد و مرا آزار داد.»

با طرح این شکایت مرد ۳۷ساله بازداشت شد، اما در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد.

پرونده متهم بنا به شواهد و مدارک موجود به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه محاکمه شاک می‌به همراه شوهرش و متهم که با قرار وثیقه آزاد بود در همان شعبه به ریاست قاضی عبداللهی حاضر شدند. ابتدای جلسه که به صورت غیر علنی برگزار شد، زن جوان در حالی که اشک می‌ریخت گفت: «این مرد زندگی من و فرزندمان را تها کرده است. همسرم حرفم را باور نمی‌کند و می‌گوید مزه‌یام را می‌بردازد تا مرا طلاق دهد. باور کنید جنایتی برای زندگی ندارم و از ریاست دادگاه می‌خواهم به خاطر فرزند معلومم مرگم کشیده و ریختن متهم اشد مجازات می‌خواهم.»

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «مدتی بود که با همسر دایم‌ام به صورت پیامکی در ارتباط بودم و بارها در نبود دایم‌ام به خانه‌اش رفتم بودم اما او را آزار ندادم.»

بعد از اظهارات متهم، شاک می‌ از جای خود بلند شد و در حالیکه فریاد می‌کشید و گریه می‌کرد، گفت: «متهم دروغ می‌گوید. همه پیامک‌ها به خاطر رابطه فامیلی بود و او با این حرف‌ها می‌خواهد شوهرم را نسبت به من بدبین کند تا زندگی‌ام از هم بپاشد.»

در پایان هیئت قضایی با توجه به مدارک موجود در پرونده، مرد جوان را به اتهام رابطه نامشروع به ۱۰۰ضربه شلاق و یکسال تبعید محکوم کرد.